هرچه حکم کنی بنده ایم و خدمتکار حق تعالی فرماید که به بهشت روید و چون به بهشت رسد رضوان گوید کجا میروی که در بهشت بمقدار سر تاریانه نماند
و همه را با اهل آن قسمت کرده اند بیچاره نا امید بازگشته دیگر بار بموقف نیاز آید و سخن رضوان بعرض رساند و بر قدرت نامه مربی بوی دهد
که این را برضوان رسان بنده آن نامه را که مشتمل بر نجات ابدی بود نزد رضوان برد و رضوان بعد از مطالعه گوید طوبی لک در آ که جای تو
بهشتی آمده که سعت آن پیش از دنیاست و هرچه ترا باید از اسباب بهجت و مسرت در و مهیا پیش بدان بهشت خاص آید و رضوان
سوگند یاد کند که این جنت را غیر از این ساعت ندیده ام و نزد بعضی از علما ثمن بود ماخوذ از قول عرب که عرضت الشئ بالشئ عارضة
پس معنی این باشد که اگر عوض کنند بهشت را با آسمانها و زمینها همه آن ثمن بهشت تواند بود و بهشتی بدین همه قیمت و عظمت أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ
آماده کرده شده است برای آنها که پرهیزکارانند از معاصی تخصیص متقیان بر جنت دلالت بر نفی غیر ایشان میکند یا اگر جمهور برانند که مراد از
متقیان مومنانند و تقوی ایشان آنست که از شرک پرهیز میکنند ای درویش متقی نزد محققان کسی است که از غیر حق پرهیز کند و جنتی که
برای وی مهیا ساخته اند جنت ذاتست که فادخلی جنتی از آن خبر میدهد و موید این قولست آنکه احمد عرب رحمه الله درین آیه فرموده
که بشتابید بجنت حبیب و به بهشتی که عرض و آسمان و زمینست تا در آن بهشت بدولت لقا رسید زیرا که جزای عابد جنتست و جزای محب لقا
و در وی بیت زاهد تو و شراب بهشت و لقای حور ما مست ساقیم از مینا چه میکنیم ای درویش متقی حقیقی را مغفرت حقیقی رسد و آن
صفات ثانیه است در صفات باقیه و او را بجنت حقیقی رسانند و آن نیز مستور شدن ذات مجازیست در ذات حقیقی پس تعریف متقیان
میفرماید بر نیوجه که الَّذِينَ پرهیزکاران آنانند که بی شائبه تعلق باغراض اعواض يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ نفقه میکنند در آسانی وَالضَّرَّاءِ
و در سختی مراد همه احوالست چه انسان بهیچوجه خالی از سرتی و ضرتی نیست و گفته اند سرا طیب النفس است و ضرا کراهیت طبع یعنی بالطوع و رغبت
نفقه دراه خدای فرو گذار ند و اگر نیز بر نفس ایشان شاق گذرد و غیر خود از مردم باز ندارند یا مراد توانگریست و درویشی توانگران باید
سلاح اند و درویشان بآن مقدار که توانند بعضی از صحابه و تابعین بنیم خرما و بدانه انگور تصدق کرده اند والقلیل عند الله کثیر حق اندک بدر بست
بسیار بخش ای عزیز صدقه از توانگران چندان نیکو نباشد که از درویشان زیرا که با وجود احتیاج با دیگری مساوات کردن کار جادوان
میدان فتوت و صدرنشینان ایوان مروتست بیت چو درویشی بدرویشان نظر کن که قرص خور بعوری کرد و از افلاک ویش
زر ستانی و باید دانست که مردمان در انفاق چهار نوع اند یکی آنکه در سعت عیش نفقه کند و در تنگی معیشت در سخا فرو بندد و چنین کس از
اهل روزگار معدودست دوم آنکه در وقت فقر با سید خلق صدقه دهد و در زمان سختی از بیم احتیاج مهر بر درم نهد و این کس از طریقه
توکل دورست سیم آنکه نه در فراخ دستی خیر کند و نه در تنگدستی و این لئیم ترین انامست چهارم آنکه در هر دو حال دست سخاوت بر گشاید
و این کریمترین خاص و عامست و بعضی سرا و ضرا را بر گرانی و ارزانی حمل کرده اند یعنی در میان گرانی بهمان نوع انفاق نمایند که در وقت
ارزانی و شادی و غم نیز گفته اند نه عذر سرور ایشان را از خیر باز دارد و نه بار اندوه ایشان را از کار پسندیده باز دیا در هر ساعتی عمل چنان
سلوک نمایند که در تن آسانی عمل انفاق کنند در عسر و ما تنها یا در محنت و در فقیه ابو اللیث گفته که در حال حیوة دست نفقه گشایند
و در زمان وفات بچیزی وصیت فرمایند یا مراد نفقه الیست که متعلق است ذکر داند چون نفقه اهل و لد و اگر موجب ملال بود دون

براضداد

براضداد و حساد یا نفقه بر توانگران کنند چون ضیافات و هدیات و آنچه به شکستان و محتاجان دهند از صدقات و زکوة و خفیف تنت
کرنر از مقابله عموم مستعمل باشد ضرا در برابر نفع استخدام از لفظین مخلص افاده آن میکند که هر یک دلیل متقابل خود بود
برا که در عموم اوقات متوجه اند بتاسیس مبانی خیرات و این کار خواص است که نفقه کننده مال را برمواساة و بدان را بر عبادت و دل را
بر کمال مراعات و روح را بر صفای حالات و سر را بر انوار مشاهدات یعنی همه را در باز نده و بی خود با او در سازند بیت هرچه داری برای او در باز
تا بوی خودت کند در باز در حقایق سلمی آورده که ایشان نفقه کنند که نکو تا از او طلب نکنند وَالْكَاظِمِينَ الْغَيْظَ و فرو خورندگان
خشم را و انتقام ناکشندگان با وجود قدرت ای درویش خشم فرو خوردن آدمی را بدرجه صدیقیت رساند در احادیث آمده که هر که شربت
ناخوشگوار خشم نوش کند و در وقت زبانه زدن آتش غضب خود را از گفتن ناصواب خاموش سازد در تفسیر ثعلبی آورده که وقتی طاران
حضرت نبوی بحضور آنحضرت صلوات الله وسلامه علیه تعریف قوت شخصی میکردند که در هیچ کارزار جولیت حیاء دیت دل او در وقت مقاومت حریف
دکار به ابطال جگر داری باکر و فر بلفظ مبارک نبوی در جواب قابل چنین گذشت که شما را خبر دهم بعیاری که از این مرد قوی تر است
گفتند بلی یا رسول الله گفت آن مرد بود که او را دشنام دهند و از شدت آن جفا فوار خشم رخنه گردن غیظ نفس را بشکند و اندیشه آتش
جوی آبروی را از اوج مراد بحضیض حرمان در اشکند این مرد مردی بود از مقاتلان صف کارزار و مبارزان میدان کفار قوی تر بیت
مردی گمان مبر که بزورست و پردلی با خشم اگر برآیی انم که کاملی آورده اند که ناکسی امام اعظم را طپانچه زد امام فرمود که من هم توام
ترا طپانچه زنم لیکن ترنم و قادرم بر آنکه با خلیفه شکایت تو کنم اما نکنم و میتوانم که در سحرگاه از جفای تو بحضرت اله بنالم و لی نالم و همی توانم
میشود که در قیامت که خصومت تو بر میان بندم و داد خود بستانم و این نیز نمیکنم و شرط کردم که اگر فردا مرا رستگاری باشد
بی تو قدم در بهشت ننهم و مناسب همین است آنچه شیخ مصلح الدین سعدی فرموده بیت یکی بربطی در بغل داشت مست بشب بر سر پارسایی
شکست چو روز آمد آن نیک مرد سلیم بر سنگدل برد یکمشت سیم که دوشینه معذور بودی و مست ترا و مرا بربط و سر شکست
مرا به شد آن زخم و برخاست بیم ترا به نخواهد شد الا بسیم ازین دوستان خدا بر سرند که از خلق بسیار بر سر خورند در اخبار آمده
که از حضرت عیسی علی نبینا و علیه السلام پرسیدند که سخت ترین همه چیزها چیست جواب داد که خشم خدای گفتند که چه چیز از غضب الهی ایمن تواند شد
فرمود که ترک غضب خویش و در مثنوی گفته بیت گفت عیسی را یکی هشیار سر چیست در هستی ز جمله صعب تر گفت ای جان صعبتر خشم خدای
که ازو دوزخ همی لرزد چو ما گفت ازین خشم خدا چبود امان گفت ترک خشم خویش اندر زمان ترک خشم و شهوت و حرص آوری
هست مردی و رگ پیغمبری صفت دیگر متقیان عفو است کما قال وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ و عفو کنندگان از بندگان در گذرندگان
یا از ستمکاران که بر نیش جفاها ایشان را ریش کنند یا از دل ازاری که در غیبت خویش بدگویی و عیب جویی ایشان نفس زنند
و از سفیهان بدکیش که مبانی طریق سفاهت و وقاحت فرو گذارند یا از غریبان درویش که قدرت بر ادای ادام ندارند و اصل آنست
که عام اگر از ذمت باشد مجموع آنها که مستحق آن باشند و عفو بهترین صفتی است آدمی را چه خاصیت او آنست که دل را بمرتبه ایمان بدرجه احسان
رساند عزیزی فرموده که دشوار ترین نیکوکاریها آسان گرفتن بدکاریست ان الله عفو یحب العفو مردم تمام آنست که هر که ذلتی بوی نسبت

Copyright © King Saud University